



جہاد تبیین امام سجاد علیہ السلام - استاد رفیعی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

شب پنجم شعبان متعلق است به سیدالسادین علی بن الحسین علیہ السلام. با آن نقش بسیار مهمی که این امام بزرگوار در تاریخ دارد، متأسفانه کمتر در طول سال، از ایشان صحبت می شود؛ باید بدانیم که ایشان، نقش مهمی در جریان حادثه کربلا و بیان این واقعه، برای مردم دارد؛ لذا جا دارد بحث امشب را اختصاص بدهیم به امام سجاد علیہ السلام که ۳۴ سال، در دوران خفقان و شدت برخورد، چگونه به

جهاد کبیر و جهاد تبیین و به بحث‌های مربوط به قیام عاشورا و اهداف پدرشان پرداختند.

بنی‌امیه، در مبارزه با اسلام و در مبارزه با نبوت و امامت، از چیزی فروگذار نکردند. خب تا قبل از اسلام آوردنشان که این‌ها مبارزه می‌کردند. ابوسفیان در بدر و احد و خندق. هند همسرش، پدرش عتبه، عمویش شیبه، برادرش ولید، این‌ها هم جزو کسانی‌اند که در جنگ‌ها و مبارزات با پیامبر (ص)، جلودار بودند؛ اما بعد از آن که اسلام آوردند، آن‌هم با عظمتی که از اسلام دیدند باز هم این مخالفت‌ها و مبارزات ادامه پیدا کرد.

شما ببینید، در یکی از خطبه‌هایی که امام حسین علیه‌السلام در مسیر کربلا خواندند، اوضاع سال ۶۰ و ۶۱ هجری را به زیبایی ترسیم کردند. فرمود: «إِنَّ هَذِهِ الدُّنْيَا قَدْ تَغَيَّرَتْ وَ تَنَكَّرَتْ وَ أَدْبَرَ مَعْرُوفُهَا.»
مردم! معروف وارونه شده است، همه‌چیز تغییر

کرده، جابه‌جا شده است. «وَلَمْ يَبْقَ مِنْهَا إِلَّا صَبَابٌ كَصَبَابَةِ الْإِنَاءِ.» شما یک ظرف آبی داشته باشید، وقتی این ظرف را خالی کنید، یک رطوبتی تهش می‌ماند. آن رطوبت، نه قابل خوردن است و نه کسی را سیراب می‌کند. فرمود: «از دین و از معروف، چیزی مثل رطوبت کف کاسه باقی مانده است.» «وَلَمْ يَبْقَ مِنْهَا إِلَّا صَبَابٌ كَصَبَابَةِ الْإِنَاءِ.» این ترسیم اوضاع است که نیم‌قرن بعد از رحلت پیامبر ص با حکومتی که در شام بود، کاملاً امور، وارونه شد. در چنین شرایطی، امام سجاد علیه‌السلام بیش از سه دهه، به بنای مهمی در مدینه پرداخت که من در پنج محور این را خدمت شما عرض می‌کنم.

* احیای فرهنگ قرآن

احیای فرهنگ قرآن. بله، اولین خاستگاه مسلمانی ما قرآن است. امام، یکی از کارهایشان این بود که پاسخ

شبها را با قرآن بدهند. مردم را به قرآن ارجاع بدهند. در مجلس یزید، وقتی امام وارد شد، اول حرفی که یزید زد، این بود که رو کرد به امام سجاد علیه السلام و اهل بیت علیهم السلام گفت: «**مَا أَصَابَكُمْ مِنْ مُصِيبَةٍ فَبِمَا كَسَبَتْ أَيْدِيكُمْ**». یزید، آیه قرآن خواند که هر مصیبتی سر بشر می آید، به خاطر خطاها و گناهان و اعمال خودش است.

بله، این آیه قرآن است؛ اما آیا کسی می تواند بگوید ایوب پیغمبر هفت سال سختی کشید، چون معصیت کرده بود؟ نه، ایوب معصوم است.

انبیا این همه بلا کشیدند، ابراهیم پیامبر علیه السلام این همه بلا کشید، یزید حالا شده مفسر قرآن و این آیه را دارد تطبیق می دهد! بلافاصله سیّد الساجدین علیه السلام جواب داد.

فرمود: «**مَا نَزَلَتْ فِينَا**». این آیه، به ما ربطی ندارد. این آیه را بخوان، آیه ۵۱ سوره توبه: «**لَنْ يُصِيبَنَا إِلَّا**

ما كَتَبَ اللَّهُ لَنَا. « ما به تکلیف عمل می کنیم و در عمل به تکلیف هم، به نتیجه کاری نداریم. «لَنْ يُصِيبَنَا إِلَّا ما كَتَبَ اللَّهُ لَنَا هُوَ مَوْلانا وَ عَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنِينَ. « ما تکیه مان به خداست.

آیه بعدش هم می فرماید چه پیروز شوید، چه شکست بخورید هر دو حُسن است. «إِحْدَى الْحُسْنَيْنِ» است. ما پیروز بشویم حُسن است، شهید هم بشویم، حُسن است. امام، جواب یزید ملعون را با آیه قرآن داد یا این قضیه که پیرمردی آمد، جلوی امام سجاد علیه السلام شروع به ناسزاگفتن کرد.

آقا رفتند سراغ قرآن. گفتند: پیرمرد تو قرآن بلدی؟ گفت: بله. آقا چهار تا آیه برایش خواند: «وَ آتِ ذَا الْقُرْبَى حَقَّهُ.» فرمود: این ذی القربی چه کسانی اند؟ ذی القربی یعنی فامیل های پیغمبر. فامیل پیغمبر ماییم. «قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجراً إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي

القُرْبَى. « إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُم... » این یعنی همین و لاغیر. مایی که تو در اسارت می‌بینی، ما اقربای پیغمبریم، ما اهل پیغمبریم. پیرمرد بلافاصله گفت: آقا اشتباه کردم. « هَلْ لِي مِنْ تَوْبَةٍ؟ » می‌توانم توبه کنم؟ توبه کرد و اصلاح شد.

این یکی از کارهای امام سجاد علیه السلام است. پاسخ‌گویی به شبهات و احیای فرهنگ دین با قرآن که خودشان فرمودند: تمام کلام ما پشتوانه قرآنی دارد.

* احیای سنت پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم

دومین احیا و تبیین امام سجاد علیه السلام، احیا و تبیین سنت پیامبر ص است. می‌دانید منبع دریافت مسائلمان، اول قرآن است، بعد سنت و بعد روایات اهل بیت علیهم السلام.

سنت پیامبر هم خیلی مهم است. وجود مقدس امام سجاد علیه السلام خیلی از اوقات احادیثشان را که می‌خواستند بفرمایند، می‌فرمودند: «قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص». یعنی حدیث را به پیغمبر نسبت می‌دادند که بدانید اگر من این جمله را دارم می‌گویم، این سخن رسول خداست.

وجود مقدس بقية الله الاعظم ارواحنا فداه هم، وقتی ظهور کنند، یکی از محورهای کارشان همین احیای سنت است. «يُحْيِي مَيِّتَ الْكِتَابِ وَ السُّنَّةِ.»

* احیای اندیشه امامت

سومین محور در زندگی امام سجاد علیه السلام در این ۳۴ سال، احیای اندیشه امامت است که این از آن دومی مظلوم‌تر است. از آن اولی مظلوم‌تر است؛ چون اندیشه امامت، حسابی از جامعه کنار زده شده بود. امامی را کشتند، سرش را بالای نیزه کردند. گرفتن

مجلس برایش را و بردن نامش را هم جرم شمردند. امام علیه‌السلام در این دوران، روایات متعددی دارند، حالا چه در خود صحیفه سجادیه چه جاهای دیگر برای این که مردم جامعه را ارجاع بدهند به اندیشه امامت و کادر بسازند.

کسی که باور به امامت دارد، تا آخرش باید پیش برود. «**الْمُنْكَرُ لِآخِرِنَا**» کسی آخرین امام را منکر بشود، مثل این است که امیرالمؤمنین علیه‌السلام را منکر شده است. این امامت، یک حلقه است، یک سلسله است، تا می‌رسد به حضرت مهدی ارواحنا فداه و ایشان اگر کسی در دوران غیبت به او باور داشته باشد، افضل از همه زمانه است. «**أَفْضَلُ مِنْ أَهْلِ كُلِّ زَمَانٍ**». این هم نکته سوم در تبیین اندیشه امامت در این ۳۴ سال.

بله، آمار شاگردهای امام سجاد علیه‌السلام زیاد نیست. آن چیزی که یادم است، مرحوم شیخ طوسی

تقریباً، تا ۱۷۰ نفر را ذکر می‌کند. امام سجاد علیه السلام، اجازه برگزاری جلسه عمومی نداشت.

اجازه برپایی یک نماز جمعه را هم به ایشان ندادند. حتی اجازه اقامه عزا برای پدرش نداشت. شما فکر کنید، بعد از سال ۶۱، هر سال عاشورا، امام سجاد علیه السلام با مردم به خیابان می‌آمدند، نه خیر آقا، ابداً. همه این‌ها ممنوع بود.

این فضاها کمی در زمان امام صادق علیه السلام و امام رضا علیه السلام باز شد. این‌ها را عرض می‌کنم نه فقط برای اینکه تاریخ بگوییم، بلکه امروز هم، کسانی که متصدیان فرهنگی جامعه هستند، باید بدانند که راه همین است.

بچه‌های مردم را در راهنمایی، دبیرستان، دانشگاه با این شیوه‌ها آشنا کنید. قرآن بیاموزید، قرآن را به این‌ها تعلیم بدهید. قدرت پاسخگویی شبهات به ایشان بدهید و الا در فضای مجازی این‌ها را می‌برند.

این قدر دشمن دارد در تحریف کار می کند که ما یک هزارمش را در تبیین کار نمی کنیم.

تحریف بعد از عاشورا، جریان سنگینی بود. یزید می خواست این جریان را تحریف کند؛ اما امام سجاد علیه السلام در این ۳۴ سال با تبیینش، جلوی این تحریف را گرفت. امروز هم خط همین است.

***تبیین در قالب دعا**

کار چهارم امام سجاد علیه السلام، تبیین معارف در قالب دعاست. حضرت امام رحمة الله علیه، آغاز وصیت نامه شان از قرآن و نهج البلاغه به طور خاص نام بردند و صحیفه سجادیه را زبور آل رسول خواندند. این کتاب یک گنجینه است. این کتاب، یک مجموعه معارف است. انسان تک تک دعاهايش را با دقت ببیند. خیلی از این دعاها، سیاسی است. من فقط یک اشاره ای می کنم. این دعای ۳۸ صحیفه

سجادیه را شما ببینید، یک دعای نصفه صفحه‌ای است. خیلی کوتاه است. امام در این دعا، از خدا بابت هفت چیز عذرخواهی می‌کند. اصلاً اسمش هم این است: «الدُّعَاءُ فِي الْإِعْتِذَارِ». خدایا، من از تو عذر می‌خواهم، به خاطر هفت تا گناه؛ حالا امام که معصوم است دارد به ما یاد می‌دهد.

شما این هفت تا را ببینید، تمامش حقوق اجتماعی است. تمامش حقوق بندگان خداست. نمی‌گوید خدایا، عذر می‌خواهم از مسئله کوتاهی در نماز، نه خیر. می‌فرماید: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَعْتَذِرُ إِلَيْكَ مِنْ مَظْلُومٍ ظَلِمَ بِحَضْرَتِي فَلَمْ أَنْصُرْهُ». همین را شما دقت کنید. می‌فرماید: «خدایا، من از تو عذر می‌خواهم که پیش من به کسی ظلم بشود و من سکوت کنم.» این کشورهای عربی که در مقابل این مظالم اسرائیل سکوت می‌کنند، عادی‌سازی روابط می‌کنند. بدانند. این کلام سیدالساجدین به دنیا چه می‌خواهد بگوید؟

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَعْتَذِرُ إِلَيْكَ مِنْ مَظْلُومٍ ظَلِمَ بِحَضْرَتِي فَلَمْ أَنْصُرْهُ.» خدایا، من از این گناه پیش تو عذرخواهی می‌کنم که به کسی پیش من ظلم بشود، در زمان ما ظلم بشود و من سکوت کنم و هیچ‌چیز نگویم. این را یک گناه می‌داند.

*تبیین کربلا

پنجم هم اینکه داستان کربلا باید برای مردم تبیین بشود. دشمن هم که اجازه جلسات عمومی نمی‌دهد. سیدالسادین علیه‌السلام به‌گونه‌ای عمل می‌کنند که اندک‌اندک مردم با جریان عاشورا آشنا بشوند، ولو در قالب مصائب، ولو در قالب بکاء و گریه، ولو در قالب مسائل عاطفی.

شما ببینید، آن خطبه‌ای که در شام خواندند، بخش‌هایی که به معرفی خودشان به‌عنوان فرزند امام حسین علیه‌السلام می‌پردازند، می‌فرمایند: «من فرزند آن کسی هستم که از قفا ذبح شد.

من فرزند آن کسی هستم که با لب تشنه به شهادت رسید. « مردم را آشنا کرد. در همان جلسه، بعضی‌ها به یزید اعتراض کردند. همان جا بعضی از مقاتل دارد که بعضی از اهل خانه یزید، سر امام حسین را بردند شست‌وشو دادند، گلاب زدند، معطر کردند و گفتند چرا با این سر این طور برخورد می‌کنید؟

سخنان امام ع، تأثیر داشت. این که شما شنیده‌اید که ۳۴ سال در شرایط مختلف، امام هروقت نگاهشان به آب می‌افتاد، اشک می‌ریخت و می‌فرمود: «**قُتِلَ ابْنُ رَسُولِ اللَّهِ عَطِشَانًا**». این فرهنگ را می‌خواست جا بیندازد.

اصلاً بخش عمده‌ای از مقتل، مال امام سجاد است. خیلی چیزها را ایشان بودند که تبیین کردند. فرمود: «خدا مقامی به عباس ع داده که جمیع شهدا در روز قیامت، به آن غبطه می‌خورند.» این می‌شود تبیین

نهضت عاشورا. هم مصیبت را می‌گویند، هم مقام
شهدا را می‌گویند.